

بایسته‌های اخلاقی حادثه‌نگاری

fooladi@iki.ac.ir

nagi1364@yahoo.com

khorasani0232@gmail.com

محمد فولادی / دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

حسن محیطی اردکان / دکتری فلسفه اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مهدی خراسانی / کارشناسی ارشد اخلاق کاربردی مؤسسه اخلاق و تربیت

دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۱

چکیده

حادثه‌نگاری یکی از حرفه‌های مهم جامعه، به‌ویژه در عرصه رسانه می‌باشد. در هر حرفه، بایسته‌ها و نبایسته‌هایی اخلاقی وجود دارد. برای دور ماندن حادثه‌نگاری از آسیب‌های اخلاقی، رعایت اخلاق و توجه به بایسته‌ها و نبایسته‌های اخلاقی ضروری است. این پژوهش تلاش دارد تا با روش توصیفی - تحلیلی، بایسته‌های اخلاقی حرفه حادثه‌نگاری را با تأکید بر آموزه‌های اسلامی و بر اساس مبانی اندیشه اخلاقی اسلام تبیین نماید. نتایج تحقیق حاکی از این است که مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی در مرحله دریافت اخبار سودمندی و عبرت‌آموز بودن آن است. در مرحله تجزیه و تحلیل بی‌طرفی و تجزیه و تحلیل مناسب است. در مرحله انتقال حوادث نیز وفای به عهد، تعهد در بیان حقایق، پابندی به منافع عمومی و رازداری از جمله بایسته‌های اخلاق حادثه‌نگاری است.

کلیدواژه‌ها: حادثه‌نگاری، اخلاق حادثه‌نگاری، صفحه حوادث، آموزه‌های اسلامی.

رسانه‌ها، یکی از ابزارهای مهم اطلاع‌رسانی و ترویج فرهنگ در عصر حاضر می‌باشند. رسانه نیاز به محتوای سالم دارد، دین و اخلاق دینی بهترین محتوایی است که رسانه‌ها می‌توانند از آن بهره ببرند. از این رو، با واژه «اخلاق رسانه» مواجه می‌شویم. رسانه، به عنوان یکی از ارکان اساسی و از عوامل مهم رشد و توسعه یک جامعه محسوب می‌شود. یکی از دلایلی که مردم به رسانه‌ها اشتیاق پیدا می‌کنند، صفحه حوادث آن است. بحث اخلاق حادثه‌نگاری از جمله مباحث میان‌رشته‌ای است که در دانش جامعه‌شناسی، علم ارتباطات و اخلاق کاربردی مطرح است. یکی از سؤالات بسیار مهم در قلمرو کار حادثه‌نگاری، این است که آیا اخلاق می‌تواند در این عرصه حاکم باشد؟ آیا رعایت اخلاق در مقوله حادثه‌نگاری ضروری است؟ بایسته‌ها و چالش‌های اخلاقی حادثه‌نگاری در روزنامه بر اساس آموزه‌های اسلامی کدامند؟ دلیل اصلی به وجود آمدن این گونه پرسش‌ها در ذهن افراد، به این جهت است که بسیاری از رسانه‌ها با بایسته‌های اخلاقی و پایبندی به آن فاصله گرفته‌اند. یکی از مطالب پرطرفدار هر رسانه، بخش حوادث است. متأسفانه در محیط‌های علمی ما چندان در باب رعایت بایسته‌های اخلاقی حادثه‌نگاری بحث علمی، عالمانه و کارشناسانه مطرح نشده است. به همین دلیل، هم فقر منابع در این حوزه وجود دارد و هم آن‌گونه که باید و شاید اخلاقیات در آن مراعات نمی‌شود. از این رو، آسیب‌های اخلاقی فراوانی در حادثه‌نگاری یافت می‌شود. برای پیشینه این تحقیق، باید ویژگی‌های اخلاقی بودن، اسلامی بودن و حادثه‌نگاری در موضوعات مدنظر باشد. با توجه به تحقیقات انجام شده، کتاب یا پایان‌نامه یا مقاله‌ای که درباره اخلاق حادثه‌نگاری تدوین شده باشد، یافت نشد. ولی برخی از آثاری که با عنوان «اخلاق روزنامه‌نگاری» مطرح بود، مورد بررسی قرار گرفت. از آن جمله به کتاب *اصول اخلاقی حاکم بر رسانه از دیدگاه اسلام* و همچنین *اخلاق روزنامه‌نگاری*، تألیف آقای دکتر فولادی، کتاب *اخلاق روزنامه‌نگاری*، تألیف کارن سنדרز ترجمه آقای علی اکبر قاضی‌زاده، کتاب *بحران و وجدان اخلاق روزنامه‌نگاری*، تألیف کارل هوسمن و ترجمه آقای داوود، مقاله «اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری: زمینه‌های تاریخی، مقررات‌گذاری‌های ملی و پژوهش‌های جهانی» تألیف دکتر معتمدزاد و مقاله «هبانی فلسفی اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری» که توسط استیفن جی. ای وارد تألیف و ترجمه پیروز اشاره کرد.

با این حال، یکی از اقدامات اساسی در این حوزه استخراج بایسته‌های اخلاقی، شناسایی آسیب‌ها، ارائه منشور اخلاقی حادثه‌نگاری و پایبندی اصحاب مطبوعات به آن می‌باشد.

این پژوهش، در فضای اخلاق کاربردی، برای سامان دادن به مسائل اخلاقی در حادثه‌نگاری با تأکید بر آموزه‌های اسلامی نگاشته شده و به بایسته‌های اخلاقی در حادثه‌نگاری می‌پردازد. این بایسته‌های اخلاقی در سه قسمت دریافت، تجزیه و تحلیل و انعکاس و انتثال حوادث بیان شده‌اند. همچنین لازم به یادآوری است از آنجایی که بیان تمام بایسته‌ها امکان‌پذیر نیست؛ در اینجا تنها به چند بایسته از مهم‌ترین آن اشاره شده است.

۱-۲. حادثه

«حادثه»، از نظر لغوی به معنای «واقعه»، «پیشامد»، «اتفاق» و «رویداد» به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۷، ص ۴۰). در یک تعریف جامع‌تر، حادثه این‌گونه تعریف شده است: یک حادثه، رویداد و اتفاق خارجی مشخص، قابل شناسایی، ناگه، دور از انتظار و غیرقابل پیش‌بینی، غیرعادی و بدون قصد است که در یک‌زمان و مکان ویژه رخ می‌دهد و بدون دلیل آشکار است، اگرچه اثر و نتیجه‌ای مشخص دارد. یک حادثه معمولاً احتمال نتایج منفی و ناگوار دارد که با آگاهی از دلایل رویدادی که حادثه را می‌آفریند و انجام کار مناسب پیش از رویداد، می‌توان از آن جلوگیری و پیشگیری نمود (دایرة‌المعارف ایمنی و بهداشت کار، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۲۱).

حوادث موجب ایجاد فضایی می‌شود که کنترل آن نیاز به کارهای مهم و فوق‌العاده است. گاهی حادثه، باعث ایجاد یک بحران می‌شود؛ بحرانی که دارای فشار است و موجب درهم‌شکسته شدن انگاره‌های متعارف جامعه و بازخوردهای نامتعارف و پیچیده می‌شود و خطرهای، مشکلات، آسیب‌ها، تهدیدها و نیازهای تازه و جدیدی را در پی خواهد داشت. حادثه‌ها به لحاظ نوع و شدت متفاوتند. حوادث اتفاق افتاده را می‌توان در گروه‌های زیر دسته‌بندی کرد: شخصی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی، زیست‌محیطی و طبیعی.

۲-۲. اخلاق حادثه‌نگاری

مجموعه‌ای از هنجارها و بایده‌نویدهای حاکم بر فضای حادثه‌نگاری است که وظیفه حادثه‌نگار را در دریافت، تجزیه و تحلیل و انتقال صحیح اخبار و حوادث تعیین می‌کند. همچنین، اخلاق حادثه‌نگاری اشاره دارد به اینکه یک حادثه‌نگار، وظیفه دارد در چارچوب اخلاق عمل کند و تحت هر شرایطی، اخلاق را مراعات کند و به آن پایبند باشد، هرچند که به ضرر او باشد. البته، رعایت اخلاق در هر حرفه‌ای لازم‌الاجرا است، اما رعایت آن در اینجا اهمیتی دوچندان دارد؛ چراکه یک حادثه‌نگار، در یک محدوده عمومی فعالیت می‌کند و یک شخص تنها نیست. سروکار او با افکار عمومی جامعه است و عدم پایبندی به اخلاق و یا بد اخلاقی، موجب می‌شود که افکار عمومی، آسیب‌پذیر و دچار انحراف شود و در نتیجه، رفتار جامعه دچار آسیب خواهد شد.

مراحل اخلاق حادثه‌نگاری

حادثه‌نگاران باید در همه مراتب کاری خود، به بایسته‌های اخلاقی پایبند بوده و خود را ملزم به رعایت آن کنند. رعایت و پایبندی به اصول اخلاقی ابتدا از مرحله دریافت و کسب اخبار مربوط به حوادث آغاز می‌شود که باید مورد توجه ویژه قرار بگیرد. در ادامه مرحله تجزیه و تحلیل حوادث توسط حادثه‌نگار مطرح می‌شود که همچنان باید پایبند به اخلاق باشد. پس از آن، مرحله انتقال اخبار و حوادث به مخاطبان و عموم جامعه، این رسالت خطیر به پایان می‌رسد. اکنون، حادثه‌نگار اگر در هر یک از این مراحل کوتاهی کند، این حلقه و زنجیره دچار نقص می‌شود و موجب می‌شود که یا حق و حقوقی از کسی ضایع شده و یا اخبار غیرواقعی و جهت‌دار به دست مخاطب برسد. این هم به

نحوی، تزییع حقوق است. بایدهای اخلاقی، بعضی مشترک میان هر سه مرحله است و هر مرحله که توضیح داده شده، در مرحله دیگر، تکرار نشده است.

۱-۳. بایسته‌های اخلاقی دریافت اخبار

حادثه‌نگار پس از آنکه تعریف و مفهوم حادثه را فهمید، باید به دنبال حوادث مهمی که در جامعه اتفاق می‌افتد، برود. آنها را شناسایی کرده و دقت لازم را در این راه به خرج دهد تا هیچ حادثه قابل انتقالی از چشم او مخفی نماند. در ادامه بحث، برخی از مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی که حادثه‌نگار در دریافت حوادث و اخبار باید رعایت کند، بیان خواهد شد.

۱-۳-۱. سودمندی

لازم است حادثه‌نگار به دنبال کسب حوادثی باشد که طرح آن برای جامعه اسلامی مفید بوده و انتقال آن به ارتقای جامعه اسلامی و دستیابی به آرمان‌های نظام اسلامی منجر خواهد شد. بنابراین، باید به دنبال کسب اخباری باشد که دارای تأثیر مثبتی برای جامعه اسلامی باشد و همچنین جامعه را با معضلاتی مواجه نکند و از اهدافش باز ندارد. گاهی اوقات، در یک حادثه مانند سیل و زلزله علاوه بر مصائبی که وجود دارد، نکات مثبتی مانند همدلی و ایثار به وجود می‌آید که موجب امید به جامعه و کمتر شدن آلام می‌شود که حادثه‌نگار در اینجا باید ایفای نقش کند. ولی گاهی اوقات یک جرمی در گوشه‌ای به صورت محدود اتفاق می‌افتد که بیان آن سودمند نیست؛ بلکه شاید موجب ترویج فساد و جرم در جامعه می‌شود و افراد دیگر جامعه با آن آشنا شده و می‌فهمند چنین مفاسدی نیز هست. به‌عنوان مثال، نقل این حادثه که برخی از خانم‌ها برای آنکه تاریخ تولد فرزندشان رند باشد، تاریخ زایمان خود را عمداً جلوتر و یا به تأخیر می‌اندازند. با بیان این حادثه، افراد بیشتری نسبت به آن حساس شده و احتمال افزایش این عمل وجود دارد.

۲-۳. عبرت‌آموزی

همه ادیان الهی و مکاتب تربیتی، پیروان خود را به درس‌آموزی و عبرت‌گیری از سرگذشت پیشینیان و مقایسه موقعیت خود با آنان فرا می‌خوانند. اسلام نیز به طور گسترده، مسلمانان را به سیر در آفاق و انفس که با تفکر و اندیشه همراه باشد و غور در سرگذشت دیگران و گذشتگان، فراخوانده است. بی‌شک این دعوت و فراخوانی، به دلیل تأثیر چشمگیری است که بر عمل و رفتار انسان داشته است.

یکی از نتایج مثبت رسانه‌ها و روزنامه‌ها، به‌ویژه در نقل و شرح حوادث را می‌توان پندآموزی و «عبرت‌آموزی» آنها دانست که در برخی موارد، موجب اصلاح رفتاری افراد خواهد شد. افراد در برخورد با حوادث می‌توانند به دو گونه عمل کنند: برخی پس از خواندن و دانستن این حوادث و رخدادها، از آنها عبور نمی‌کنند و به درک واقعیات و عمق آنها دست نمی‌یابند و در همان پوسته ظاهری و محسوس و مشهود واقع می‌مانند. بعضی هم از آن عبور می‌کنند و به اعماق می‌رسند و پیام‌ها و درس‌هایی را فرامی‌گیرند.

قرآن کریم، با بیان سرگذشت پیشینیان، به انسان‌ها توصیه می‌کند از آنها عبرت بگیرند و تاریخ امت‌های گذشته را نوعی عبرت برای آیندگان قلمداد می‌کند و با تعبیر «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ

مِنْ قَبْلِ كَانْ أَكْثَرَهُمْ مُشْرِكِينَ» (روم: ۴۲)؛ بگو در زمین بگردید، پس با تأمل بنگرید که وضع امت‌های گذشته چگونه شد؟ تک‌تک انسان‌ها را به تأمل و تفکر و شناخت فرامی‌خواند. می‌توان گفت: اکثر آیاتی را که در آنها «کذلک» یا «کیف» به کار رفته است، اشاره به این عبرت‌آموزی از تاریخ دارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از گذشته دنیا عبرت بگیرید! آیا بر کسی جاودانه گشته است؟ و آیا کسی از شریف و پست، توانگر و نیازمند، دوست و دشمن در آن باقی مانده‌اند؟ همچنین آنچه از امور دنیا نیامده و خواهد آمد، به آنچه از آن گذشته، شبیه‌تر از آب است» (قمی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۴۶).

عبرت از مقوله ذکر است؛ چراکه انسان با دیدن و شنیدن چیزی، برخی از حقایق را به یاد می‌آورد. پایه و اساس فکری و فلسفی در این روش، این است که هر حادثه و رخدادی تنها متعلق به گذشته و حال نیست، بلکه همواره امکان دارد بر اساس اصل روابط علت و معلولی، با ظهور علتی مشابه همان معلول یا مشابه آن در آینده اتفاق افتد و تکرار بشود. بدین‌سان، آینه قرار دادن حال برای آینده امری است عاقلانه و به‌کارگیری چنین شیوه‌ای در زندگی راهی برای بهره‌گیری درست از پیروزی‌ها، شکست‌ها، جریانات و وقایع هست (قایمی، ۱۳۷۴، ص ۴۶۶). عبرت‌آموزی از حوادث و اتفاقات جامعه، فواید ارزنده‌ای را برای انسان‌ها به همراه خواهد داشت که به چند نمونه اشاره می‌شود:

الف. انتقال تجربه: عبرت، انتقال تجارب به‌وسیله بیان حوادث و رخدادهای جامعه می‌تواند در رسانه‌های مکتوب به‌ویژه روزنامه منعکس شود. عقل انسان حکم می‌کند که لازم نیست انسان همه راه‌ها در زندگی را خودش بیازماید؛ چون به اندازه کافی فرصت ندارد. لذا یکی از کارکردهای مهم صفحه حوادث انتقال تجارب مخصوصاً تجارب تلخ است که فرد با عبرت‌گیری از آن، شخص دیگری دچار آن حادثه نمی‌شود. وقتی سرعت زیاد و انحراف به چپ یک وسیله نقلیه موجب شده یازده نفر از سرنشینان که در بار آن سوار بودند، جان خود را از دست دهند، باید از این تجربه تلخ استفاده همگانی کرد که تخطی از قوانین راهنمایی و رانندگی چنین عواقب تلخی را به همراه دارد (روزنامه جام جم ۹۷/۵/۱۵، صفحه حوادث).

کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه که می‌فرماید: «لِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظْتَهُ التَّجَارِبُ» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۷۵)؛ همانا عاقل کسی است که تجربه‌ها او را پند دهند؛ می‌تواند عبرت‌آموز باشد.

ب. صیانت وجود از خطر: با ملاحظه آنچه را که در گذشته دیده یا شنیده‌ایم، می‌توان خود را از خطر سقوط و فنا نجات بخشید و راه جاودانگی را در پیش گرفت. حادثه فقط برای یک نفر نیست، بلکه باید توجه داشت وقتی حادثه اعتیاد یک جوان بیان می‌شود، نباید فقط یک داستان را بخواهد جست‌وجو کند که مردم با آن سرگرم شوند، بلکه در نیت او عبرت‌آموزی جامعه باشد و مصون کردن آنها از آسیب‌هایی که برای همه می‌تواند اتفاق بیفتد.

ج. جلوگیری از سقوط در شهوات: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «إِنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵)؛ برای آن کس که وقایع و جریانات را با دیده عبرت می‌بیند، خود نگهدارش سبب نجات از غوطه‌ور شدن در شهوات خواهد شد. وقتی تیترو روزنامه می‌نویسد: راننده سرویس مدرسه که متهم است یکی از دختران دانش‌آموز را طی چند سال، با تهدید و خوراندن قرص

ترامادول مورد تجاوز قرار داده، در شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه ایستاد (روزنامه ایران، ۱۸/آذر/۹۶، صفحهٔ حوادث)، حال وقتی اگر با پلیدی انسان به آن بنگرد، آسیب خواهد دید، ولی اگر با دید عبرت نگاه کند که بعد از چند سال، مجرم گرفتار قانون شده و آبروی خانوادگی او از بین رفته، از سقوط در شهوت جلوگیری می‌شود. البته، شهوت فقط جنسی نیست و موارد دیگری هم دارد.

پس، تاریخ در حال تکرار و گردش است؛ همواره قومی رفته و گروهی دیگر به جای آنها می‌آیند. تفاوت این حوادث و رویدادهای تاریخی، در جزئیاتشان است، اما در کلیات با یکدیگر مشابه هستند و اسباب و علل آنها هم یکسان است. پس کار عاقلانه این است که انسان با موازنه و مقایسه این پدیده‌ها و بررسی علل و اسباب آنها با یکدیگر، پیامدها و نتایج آنها را پیش‌بینی کند و تصمیم درست و متناسب را در هر مورد اتخاذ نماید و به اشتباهی که گذشتگان دچار شده‌اند، گرفتار نشود. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامهٔ خود به حارث همدانی به این نکته اشاره دارند: «وَ اعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا، فَإِنَّ بَعْضَهَا يَشْبَهُ بَعْضًا وَ آخِرُهَا لِأَحَقِّ بِأَوْلِيَّهَا» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ص ۴۳۵)؛ از (حوادث) گذشته دنیا برای باقیمانده آن عبرت بگیر؛ چراکه بعضی از آن (حوادث) شبیه بعضی دیگر است؛ و پایانش به ابتدای آن می‌پیوندد.

اگر بیان حوادث و مطالعهٔ سرگذشت افراد و اقوام و افول و شکست تمدن‌ها و حکومت‌ها، بدون این نگاه «عبرت‌آموز» باشد، مطالعه آن بی‌اثر خواهد بود. در این صورت، تاریخ، تنها نبش قبر گذشتگان خواهد شد، نه فراگرفتن درس از گذشته و گذشتگان (محدثی، ۱۳۸۸، ص ۱۹). به‌عنوان نمونه، سرنوشت جوانانی که با اعتیاد، طراوت و نشاط خود را از دست می‌دهند. زنانی که طلاق می‌گیرند و عمری دچار عوارض و عواقب آن می‌شوند، دانشجویانی که بدون مشورت، انتخاب رشته می‌کنند و عمرشان تلف می‌شود، نویسندگانی که به سبب بی‌دقتی یا شهرت‌طلبی، مطالب مشکل‌ساز مطرح می‌کنند و آبرویشان می‌رود، شهرت‌طلبانی که ادعای کرامات می‌کنند و رسوا می‌شوند، همه و همه می‌تواند نمونه‌هایی از موارد عبرت‌آموزی باشد که حادثه‌نگار با درایت و متعهد در جهت بیان درس عبرت برای جامعه، از آن استفاده کند.

۲-۳. بایسته‌های اخلاقی تجزیه و تحلیل

یکی از وظایف حادثه‌نگار، تجزیه و تحلیل کارشناسانه، دقیق و صحیح حوادث است. از این‌رو، بعد از کسب اخبار و حوادث، نباید آنها را فقط به‌عنوان یک داستان منعکس کند؛ زیرا بسیاری از آسیب‌ها که از بیان حوادث به جامعه منتقل می‌شود، به سبب عدم تجزیه و تحلیل مطالب است. در ادامه، برخی از بایسته‌های تجزیه و تحلیل بیان خواهد شد.

۱-۲-۳. تجزیه و تحلیل مناسب

معنای تحلیل عبارت است از: حلال کردن، حل کردن، گشودن و تجزیه کردن (عمید، ۱۳۴۲، ص ۳۰۴). در فرهنگ معین، در ذیل کلمه تحلیل این‌طور آمده است: ۱. حلال کردن، روا شمردن، روا داشتن؛ ۲. دو یا چند بخش کردن لفظی را و هر بخش معینی را علی‌حده گرفتن و بعضی را به حال خود واگذارند. همچنین، به‌معنای تجزیه کردن و از هم گذاشتن و به معنی تکبیر گفتن نیز آمده است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۷۰). در تحلیل پدیده‌ها، فقط به تشریح و

تبیین پدیده مورد تحلیل اکتفا نمی‌شود، بلکه تحلیل‌گر با تتبع ذهنی تلاش می‌کند، از ظواهر پدیده به امور پنهانی آنها دست یابد و مفاهیمی را که افراد عادی قادر به درک آنها نیستند، به زبان ساده و قابل درک به دیگران منتقل کند. تجزیه نیز این‌گونه تعریف شده است: انحلال مرکبی است به عناصر تشکیل‌دهنده آن، تجزیه در هر زمینه علمی و تحقیقی وجود دارد و اهمیت و نقش آن بر حسب مواردی که به کار می‌رود و همچنین بر حسب مسئله مورد تحقیق متفاوت است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۳۵۳).

پس در اصطلاح، تجزیه و تحلیل در حادثه‌نگاری را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: کشف یا شناخت حقایق و واقعیت‌های موجود درباره یک حادثه یا یک رویداد پیچیده، درک جزئیات همان حادثه پیچیده و ساده کردن آنها برای مخاطبان از طریق تجزیه آن واقعه می‌باشد. در نهایت، آگاهی بخشی درباره آن حادثه به مخاطبان در مورد عوامل یا علت‌های ایجادکننده، عناصر تشکیل‌دهنده آن پدیده و عامل‌های تأثیرگذار بر آن یا تأثیرپذیر از آن پدیده می‌باشد. هدف اصلی او، انتقال بینش و معرفت صحیح درباره آن حادثه به دیگران است.

برای اینکه مطالب به درستی یعنی به شکلی که بینش و معرفت جامعه را افزایش دهد، تجزیه و تحلیل شوند، حادثه‌نگار باید به یک مجموعه از اصول ملزم شوند و به آن پایبند باشند. در اینجا به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

الف. رعایت تقوای در عمل: حادثه‌نگاری اسلامی بدون تقوا محقق نخواهد شد. از آنجاکه روزنامه پدیده عصر مدرن و محصول فرهنگ غرب است، اگر بخواهد اسلامی شود، تقوا فاکتور اصلی آن است. تقوا اساس و زیربنای اخلاق شمرده می‌شود که در دنیای سکولار و دین‌گریز امروز زیاد از آن سخنی به میان نمی‌آید؛ اما بر اساس آموزه‌های دینی، تقوا از مواردی است که همواره باید سرلوحه انسان قرار گیرد. در قرآن کریم هم این اصل مهم را این‌طور معرفی می‌کند: تقوا عاملی است که قدرت تشخیص حق و باطل را به انسان می‌دهد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا! إن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر تقوای خدا پیشه کنید، خداوند به شما قدرت تشخیص حق و باطل عطا می‌کند.

رعایت تقوای الهی در رسانه‌ها و بخصوص مطبوعات، از این جهت حائز اهمیت است که بیان حوادث، امری است که با هدف واقع‌نمایی و بیان حقایق صورت می‌گیرد و موجب می‌شود که در جامعه اثرگذار باشد. حال این اثر می‌تواند مثبت یا منفی باشد. بنابراین، تنها کسی می‌تواند وظیفه بیان حوادث را در جامعه اسلامی به خوبی به انجام برساند که انگیزه‌های برای پرهیز از خطاها و لغزش‌ها داشته باشد. این فرد، تنها فرد حادثه‌نگار باتقوا است. حادثه‌نگار بی‌تقوا، چون ترس از خدا ندارد، چندان به اصول اخلاقی پایبند نخواهد بود، و در مرحله دریافت اخبار، هر مطلبی را که بخواهد، بدون قید و شرط جمع‌آوری می‌کند و در این مرحله نیز با تفسیر شخصی، به تحلیل پرداخته و بدون تحقیق کامل از صحتش مطلب را منتشر می‌کند؛ چون تقوا ندارد و نیت الهی در کار او وجود ندارد؛ نیت‌های غیرخدایی مثل شهرت، سرعت انتقال، جذابیت حادثه و تیراژ بیشتر ملاک او می‌شود.

ب. تخصص کافی: در انجام هر امری، داشتن تخصص لازم و ضروری است. حال اگر آن عمل فکری و تحلیلی

باشد، اهمیت آن دوچندان می‌شود؛ به دلیل اینکه عدم تخصص در مسئله مورد نظر، نه تنها به تحلیل مناسب کمک نمی‌کند، بلکه گاهی اوقات بعکس، آنچه یک فرد تحلیل‌گر متعهد به دنبال آن است، واقع می‌شود. گاهی هم موجب سوءاستفاده از سوی انسان‌های مغرض می‌گردد.

در روایتی امام صادق علیه السلام، سه دسته از قضات را اهل آتش و تنها یک دسته را اهل بهشت معرفی می‌کند. قاضی‌ای که علم قضاوت ندارد و با وجود اینکه حکمش بر حق بوده اهل آتش معرفی می‌گردد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۹۶۳). شاید از روایت این‌گونه بتوان استفاده کرد که در هر عمل و فعلی که انسان می‌خواهد وارد شود، نیاز به تخصص دارد و بدون تخصص ورود به کاری که تخصص شرط آن است، پسندیده نیست. حال تجزیه و تحلیل حوادث، به دلیل اینکه کاری علمی و اثرگذار بر جامعه است، باید تحلیل‌گر با علم و تخصص کافی آن را انجام دهد.

به‌عنوان نمونه، در حادثه آتش‌سوزی پلاسکو در تهران، اگر حادثه‌نگار برای تحلیل تخصص کافی نداشته باشد، فقط حادثه را بیان می‌کند و عبور می‌کند یا تحلیل ناقص می‌کند، ولی وقتی یک جامعه‌شناس حادثه را تحلیل می‌کند، این‌گونه می‌گوید: چهار عامل در تحقق این حادثه وحشتناک قابل ذکر است: وجود نوسازی‌های سطحی و قلابی در کشور، جدی نگرفتن نوسازی بافت‌های فرسوده و اماکن قدیمی کشور، ضعف نظارت نهادی در کشور و ضعف آموزش‌های ضروری، پیشگیری برای تربیت شهروندان (جلائپور، ۱۳۹۵). پس یک حادثه‌نگار فقط می‌گوید: پلاسکو در آتش سوخت و چند نفر کشته شدند، یک حادثه‌نگار دیگر بیان می‌کند که چون فرسوده بود، این‌گونه شد. اما حادثه‌نگار دارای تخصص، دلایل کافی را با تحلیل بیان می‌کند و قطعاً سومی اثرگذاری بیشتری بر جامعه خواهد داشت.

۲-۳- بی‌طرفی در تجزیه و تحلیل

یکی از مهم‌ترین مواردی که حادثه‌نگاران در تجزیه و تحلیل حوادث باید به آن توجه کنند، رعایت «بی‌طرفی» است. حادثه‌نگار، می‌بایست در تجزیه و تحلیل حادثه اصل عدالت را رعایت کند. در نهایت، بی‌طرفی به نگارش درآورد. می‌توان گفت: منظور از «بی‌طرفی»، عدم نگارشی است که در اثر آن، احتمال نفع بردن و غالب شدن شخص، گروه، حزب، قبیله و نهادی بر دیگری بدون استدلال عقلی، قانونی و شرعی بشود. البته نباید بی‌طرفی را با بی‌تفاوتی و کاهلی در دفاع از حق اشتباه کرد. لذا باید آنچه را که در جامعه حق است، هرچند موجب خدشه‌دار شدن یک جناح و یا نهاد باشد، بیان کند (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۲).

همچنین، حادثه‌نگار در بازگو کردن حادثه باید خود را در وضعیتی احساس نماید که از هیچ چیز هراسی به دل راه ندهد و منحصرأ قانون و وجدان را حاکم نماید. استقلال رسانه، این‌گونه ایجاب می‌کند که وی تحت تأثیر اندیشه‌های حاکم بر جامعه قرار نگیرد؛ چون ملاک عدالت در روزنامه، قانون و مقررات موضوعه است، نه عرف جاری.

رعایت بی‌طرفی در برخورد و قضاوت‌های اجتماعی از نظر شارع مقدس واجب است. حادثه‌نگاری هم از این قاعده کلی مستثنا نیست. این بی‌طرفی در حادثه‌نگاری، شامل مراحل دریافت، تحلیل و انتقال آن به مخاطب

می‌باشد. اما بعضی از ژورنالیست‌ها و افرادی که به طرقي با روزنامه در ارتباط می‌باشند، گاهی اوقات این اصل را رعایت نکرده و گاهی این‌گونه دیده می‌شود با آنکه یک حادثه را نقل می‌کنند، به دلیل اهداف خاص و یا تمایل قلبی به جناح و حزبی خاص، از بیان آن به دنبال اهداف سیاسی و حزبی می‌روند. درحالی‌که باید انصاف و بی‌طرفی را رعایت کنند و خداوند متعال و منفعت بیشتر مردم را در نظر بگیرند. برای مثال، وقتی حادثه برخورد دو قطار مسافربری در ایستگاه امروان دامغان و حادثه آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو و یا حادثه زلزله کرمانشاه و حوادثی از این قبیل اتفاق افتاد، زمانی که برخی از مطبوعات این حوادث را بیان و تحلیل می‌کردند، بجای آنکه اصل بی‌طرفی را مدنظر خود قرار دهند و پیوسته به دنبال حل مشکل و عامل اصلی وقوع حادثه باشند، از این حوادث استفاده سیاسی کرده و با آن برخورد حزبی می‌کردند. این مسئله، گاهی اوقات موجب رنجش بیشتر جامعه بخصوص آسیب‌دیدگان می‌شد. به‌عنوان نمونه، یکی از روزنامه‌ها بعد از تشییع شهدای آتش‌نشان می‌نویسد: «قالیاف، قالیاف... استعفا، استعفا» (روزنامه آرمان ۱۲/بهمن/۹۵). این به نحوی تسویه حساب سیاسی و شخصی با شهردار تهران بود و این در حالی بود که روزنامه‌های همسو نیز همکاری داشتند. خبرنگار روزنامه شرق در توییتی نوشت: «قالیاف: شخصاً از زاویه‌ای که خطر داشت وارد شدم و در دمایی حداقل ۲۰۰ درجه رفتم و آهن داغ را گرفتم و وارد شدم تا اگر کسی زنده بود، پیدا کنیم!» (خبرگزاری فارس، ۲۴/بهمن/۹۵). در این‌گونه موارد اصل بی‌طرفی رعایت نشده و به دنبال حل مشکل نبوده است.

۳-۳. بایسته‌های اخلاقی انتقال اخبار

آخرین مرحله که وظیفه حادثه‌نگار است، پس از دریافت و تحلیل حادثه، انتقال خبر مربوط به حادثه به مخاطب و جامعه می‌باشد. در این مرحله، حادثه‌نگار نمی‌تواند هرگونه که میل او بود، اخبار را انتقال دهد، بلکه بایسته اخلاقی این مرحله را رعایت نماید.

۳-۳-۱. وفای به عهد

در یک آیه شریفه، بر عمل نمودن به عهد و پیمان، چنان تأکید شده است که گویی مؤمنان نسبت به عمل بر پیمان‌های خود، مستقیماً در مقابل پروردگار مسئولند: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۴)؛ و به پیمانتان وفا کنید همانا پیمان مورد سؤال پروردگار خواهد بود. مسئول در اینجا، به‌معنای «مسئول عنه» است؛ یعنی از آن بازخواست می‌شوید و این از باب حذف و ایصالی است که در کلام عرب جایز شمرده می‌شود. بعضی هم گفته‌اند: منظور این است که از خود «عهد» سؤال می‌کنند که فلانی با تو چه معامله‌ای کرد، آن دیگری چه کرد و... به نظر علامه طباطبائی این آیه شریفه مانند سایر آیاتی که وفای به عهد را مدح و نقض آن را مذمت می‌کند، هم شامل عهدهای فردی و میان دو نفر است و هم شامل عهدهای اجتماعی و بین قبیله‌ای، قومی، امتی و بین‌المللی است. از نظر اسلام، اهمیت وفای به عهدهای اجتماعی و بین‌المللی، بیش از وفای به عهدهای فردی است؛ چون عدالت اجتماعی مهم‌تر و والاتر و نقض آن بلائی عمومی‌تر و فراگیرتر است (طباطبائی، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۱۲۴).

هشام بن سالم می‌گوید: «امام صادق علیه السلام فرمود: عِدَّةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَيَخْلِفِ اللَّهَ بَدَأَ وَ لِمَقْتِهِ تَعَرَّضَ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْمَلُونَ» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۶۴)؛ قولی که مؤمن به برادر دینی خود می‌دهد، نوعی نذر است که وفا کردن به آن، لازم و ضروری است؛ جز اینکه کفاره‌ای ندارد و هر کس از وعده‌ای که داده است، تخلف و سرپیچی کند، با خدا مخالفت کرده و خود را در برابر خشم پروردگارش قرار داده است. این همان چیزی است که قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که بدان عمل نمی‌کنید؟» (صف: ۲ و ۳).

همان‌گونه که از آیات و روایات برداشت می‌شود، مسئله وفای به عهد از مسائل مهم و اساسی به‌شمار می‌رود که در دین مقدس اسلام مورد کمال عنایت قرار گرفته است؛ زیرا اگر بنا باشد به این مسئله اساسی توجه نشود، زندگی مردم از هم خواهد پاشید و در اثر بی‌نظمی و هرج‌ومرج، مردم نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد خواهند شد. در نتیجه، زیربنای روابط اجتماعی سست می‌شود. از این رو، اسلام آن قدر به وفای به عهد اهمیت می‌دهد که حتی در مورد دشمن و کسی که از نظر عقیده و مسلک و غایت با انسان توافق ندارد، وفای به عهد و پیمان را لازم و واجب می‌شمرد. مطبوعات، به‌عنوان واسطه‌ای میان مردم و واقعیت‌ها و رویدادها، باید آینه وفادار رویدادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد. لذا یک حادثه‌نگار، نباید اخبار و اطلاعاتی را که در اختیارش قرار گرفته است را سانسور و یا قلب حقایق کرده و یا گزینشی عمل کند. همچنین، بنا بر این اصل او باید در نقل منبع خبر نیز وفای به عهد نماید.

در حادثه‌نگاری، نوعی عهد و پیمان وجود دارد. وقتی شخص مجوز این حرفه را گرفت، در حقیقت با خداوند، قانون، خودش و جامعه عهد و پیمان بسته و باید به آن وفادار باشد. این‌گونه نیست که بگویید: به هر شکل که میل شخصی‌ام هست، حادثه‌نگاری می‌کنم. باید عهدی که با خداوند متعال دارد که در انعکاس حوادث، هیچ نیتی غیر از رضای الهی و بصیرت جامعه می‌باشد، پایبند باشد و وفادار به قوانین روزنامه‌نگاری باشد. از عهدی که با مصاحبه‌شوندگان و حادثه‌دیدگان دارد، تخلفی نکند. برای نمونه، وقتی حادثه‌نگار با کسی مصاحبه‌ای می‌کند، مطالب را دقیق یادداشت نماید و گفته‌های مصاحبه‌شونده را با سلیقه شخصی انتقال ندهد. همچنین، پیش از چاپ حادثه در روزنامه، نسخه نهایی برای مصاحبه‌شونده ارسال و نظر نهایی او خواسته شود و در صورت رضایت، چاپ شود. اینها همه به دلیل این است که حادثه‌نگار، عهد و پیمان بسته که از حقوق مصاحبه‌شونده دفاع کند و باید به آن وفادار باشد.

به‌عنوان نمونه، در حادثه مرگ نوزادی در هنگام زایمان در بیمارستان، مصاحبه‌شونده که از کارکنان آن بیمارستان است، این‌گونه آمده است: «کارمند بیمارستان که درخواست نامش فاش شود...» (انتخاب ۹۴/۹/۱۰). در ابتدای مصاحبه، مصاحبه‌شونده شرط مصاحبه را به شرطی می‌داند که نامی از او فاش نشود، حال حادثه‌نگار باید عهدی را که منعقد کرده به آن پایبند باشد و امنیت شغلی و خانوادگی مصاحبه‌شونده را حفظ کرده، نام او را افشا نکند و تحقیقات را به عهده خود مسئولان مربوط واگذار کند.

حق خودبه‌خود از عقول پوشیده نمی‌ماند، ولی چون با باطل آمیخته شد، می‌توان آن را کتمان نمود و از برابر دیدگان عموم مردم پنهان داشت و ذهن‌ها را از آن منصرف کرد. کتمان حقیقت، در هر جایی مذموم است. اصل اولیه این است که جامعه نسبت به حقایق آگاه باشند.

خداوند متعال در قرآن کریم، بارها در قالب آیات متعددی به اهمیت مسئله حقیقت‌گویی پرداخته است و عواقب کتمان کردن حق و آمیختن آن با باطل را متذکر می‌شود. در زیر به تعدادی از این آیات شریفه اشاره می‌شود: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۴۲)؛ و حق را با باطل نیامیزید و حقیقت را با آنکه می‌دانید کتمان نکنید.

همچنین، از کتمان حق نهی کرده و چنین دستور می‌دهد: «حق را مکتوم ندارید درحالی‌که شما می‌دانید و آگاهید»، هم کتمان و پنهان داشتن حق جرم و گناه است و هم آمیختن حق و باطل با یکدیگر، که هر دو از نظر نتیجه، یکسان می‌باشند؛ زیرا آمیختن حق به باطل نیز موجب گمراهی افراد می‌شود و چه بسا گمراهی بیشتری دربر داشته باشد. حق را بگویید هرچند به زبان شما باشد و باطل را با آن درهم نیامیزید، هرچند منافع زودگذرتان به خطر بیفتد (مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۰۹).

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ» (نراقی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۳۳)؛ تمام پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغ است. بر اساس مضمون روایات مختلف، دروغ از بزرگترین گناهان کبیره می‌باشد. از این رو، به همگان دستور اجتناب از آن را داده شد، و مجازات شدیدی برای آن در نظر گرفته شده است. در بحث حادثه‌نگاری، هنگامی که مردم یک جامعه به مطبوعات اعتماد و اطمینان کرده و از آن به‌عنوان منبع به دست آوردن اطلاعات استفاده می‌کنند؛ رسالت اجتماعی آنها نیز این‌گونه ایجاب می‌کند که از کتمان حقیقت بپرهیزند. حادثه‌نگاران همچنین موظفند، در صورتی که مرتکب اشتباه و قصوری در اطلاع‌رسانی‌های خود شدند، به سرعت اشتباه خود را اصلاح نمایند. حادثه‌نگاران و سایر اصحاب رسانه‌ها، باید همواره تلاش کنند تا منابع خبری خود را خوب بشناسند. اگر در خصوص صحت خبری تردید دارند، باید آن را از منابع دیگر کنترل و تکمیل کنند و تا یقین به صدق و کذب مطلبی پیدا نکردند، آن را برای مخاطبان بازگو نکنند.

اما گاهی اوقات، اصل تعهد بیان حقیقت با مصالح نظام اسلامی تراحم پیدا می‌کند. مثلاً، در زمان رحلت بینانگذار جمهوری اسلامی، هنوز جامعه اسلامی آمادگی شنیدن این حادثه سخت را پیدا نکرده و نیاز به مقدمه‌چینی داشت، تا به‌طوری اعلان شود که مصالح نظام به خطر نیفتد. حال حادثه‌نگاری، بدون در نظر گرفتن مصالح جامعه اگر بخواهد طبق اصل بیان حقیقت فوراً بیان کند یا در جنگ، حادثه‌نگار تعداد شهدا و اسرا را که به تضعیف کشور می‌انجامد، انعکاس دهد، یا زندگی شخصی مسئولی را منعکس کند، در این‌گونه موارد اصل تعهد در بیان حقیقت را باید مقدم دانست و یا رعایت مصالح نظام اسلامی را باید لحاظ کرد؟ طبق مبانی نظری و رسالت حادثه‌نگاری اسلامی، روزنامه‌نگار باید در مواردی که اصل بیان حقیقت با اصل دیگر مانند حفظ نظام اسلامی یا حفظ آبروی مؤمن در تراحم هست، این بایسته را مقدم دارد، هرچند اصل بیان حقیقت را هم در زمان مقتضی خود انجام دهد (فولادی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۰).

یکی دیگر از بایسته‌های اخلاقی، پایبندی و محترم شمردن منافع عمومی جامعه اسلامی می‌باشد. منافع عمومی، هر آن چیزی است که سود و فایده آن برای همه یا اکثر افراد جامعه باشد. به عبارت دیگر، هرگونه فعالیتی که با نیت تأمین و ارتقای امنیت اجتماعی، آسایش و رفاه جامعه، حفظ محیط زیست، توجه به قشر مستضعف و کم کردن فاصله طبقاتی، اقامه احکام دینی و اخلاقی، توجه به بهداشت و آموزش عمومی، پیشرفت کشور و... منجر شود، از مصادیق منافع عمومی شمرده خواهد شد (همان، ص ۲۱۷).

بعضی از مکاتب اخلاقی، اصل را در منافع و مقاصد فردی می‌گذارند. برخی از مکاتب نیز بنا را فقط بر منافع عمومی می‌گذارند. اما مکتب اخلاقی اسلام هر دو را باهم در نظر می‌گیرد. از یک سو، احکام مربوط بر تسلط فرد بر اموالش را بیان می‌کند و تجاوز به حقوق فردی را جایز نمی‌داند. از سوی دیگر، برای منافع و مصالح عمومی تأکید فوق‌العاده‌ای قائل است و با ناقضان آن برخورد شدید دارد (مصباح، ۱۳۷۹، ص ۶۸).

گروهی از جامعه‌شناسان معتقدند: در شرایط عادی جامعه، تراحم اساسی میان منافع شخصی و منافع عمومی وجود ندارد. هر یک در جای خودش رعایت می‌شود. اما وقتی که رقابت بین این دو به وجود آمد، افراد برای دستیابی به منافع شخصی، مصالح و منافع عمومی را نادیده می‌گیرند. گروه دیگر بر این باورند که در حالت عادی هم بعضی از افراد برای رسیدن به منافع شخصی، به حشمان قانع نیستند و از محدوده خود تجاوز کرده و منافع عمومی را پایمال می‌کنند (مؤیدفر، ۱۳۷۹، ص ۱۹۱).

در عرصه حادثه‌نگاری هم یکی از بایسته‌های مهم، رعایت منافع عمومی جامعه است. وقتی حادثه‌نگار، به دنبال تهیه گزارش و اخبار و سپس انتقال آن می‌رود، باید اصل و مبنای او حفظ نظام اسلامی باشد؛ زیرا باید بداند که اگر امنیت جامعه از بین برود، او به راحتی نمی‌تواند آن گونه که دوست دارد، قلم بزند. از این رو، جدای از مصالح فردی و حزبی خود، باید ابتدا منافع عمومی جامعه اسلامی را مدنظر قرار دهد.

به همین دلیل، اسلام تأکید دارد که تفاوت حزب، جناح، رنگ، زبان و قومیت مایه امتیاز و برتری نیست، بلکه نشانه‌های قدرت الهی است. به همین جهت، مردم را به توجه به نقاط مشترک با یکدیگر فرا می‌خواند (آل عمران: ۶۴).

یکی از مهم‌ترین مصادیق منافع عمومی که با بیان حوادث در ارتباط است، تخریب محیط زیست می‌باشد. محیط زیست از هزاران سال قبل به دست ما رسیده و باید نسبت به تخریب و از بین رفتن آن به‌عنوان یک منفعت عمومی، بلکه منفعت جهانی حساس بوده و حادثه‌نگاران آن را یک حادثه بزرگ و مهم تلقی کرده و با تیتروهای برجسته، جامعه را نسبت به آن حساس کنند. برای مثال، ۱۴ میلیون نفر در معرض خطر ریزگردهای نمکی دریاچه ارومیه قرار دارند، وضعیت دریاچه ارومیه حالا آن قدر بحرانی شده که مسئولان محلی هم نسبت به پیامدهای خشک شدن این دریاچه هشدار می‌دهند (روزنامه همشهری، ۱/دی/۱۳۹۶) مهم. انعکاس این گونه حوادث، نفع آن برای همه جامعه هست و پیگیری مستمر آن وظیفه حادثه‌نگاران می‌باشد.

حال اگر برای حادثه‌نگار تزاخمی میان منافع شخصی و منافع عمومی به وجود آمد، چگونه باید عمل کند؟ آنچه از مجموع مفاهیم قرآنی و اسلامی به دست می‌آید، این است که حفظ نظام و منافع عمومی بر منافع شخصی و گروه خاص مقدم بوده و نباید خدش‌های به آن وارد شود. از نگاه اسلام، جامعه متعلق به تک‌تک افراد است. به همین دلیل، اسلام توجه ویژه‌ای به جامعه دارد و جامعه را به کشتی‌ای تشبیه می‌کند که افراد، همگی مسافران بوده و در دریا در حال حرکت هستند، حال اگر یک نفر به کشتی آسیب وارد کند، همه متضرر می‌شوند و حق همه ضایع می‌شود و سرنوشت همه به یکدیگر گره خورده است (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۹). برای مثال، اگر در زمان نیاز کشور به جنس خاصی، شخص محتکری را بازداشت و اجناس او را مصادره کنند، حال حادثه‌نگار باید آن را افشا کند تا سایر محتکران متوجه شوند. ولی به جهت اینکه شخص محتکر بازداشت شده از نزدیکان اوست، برای حادثه‌نگار تزاخم بین منافع شخصی و عمومی به وجود آمده که باید منافع عمومی را مقدم قرار دهد.

از این جهت، اسلام به منافع عمومی و آنچه ضامن حفظ اجتماع است، اهتمام دارد و هنگام تزاخم منافع عمومی با منافع شخصی، منافع کل جامعه را ترجیح می‌دهد. ولی آنچه در غرب اتفاق می‌افتد، بعکس است و اصل را بر فردگرایی می‌گذارند و شخص به هر شکل که میل او بود، در جامعه می‌تواند زندگی کند؛ هر چند عمل او با منافع جامعه در تضاد باشد، هیچ اشکالی ندارد او به دنبال زندگی شخصی خودش است. مگر اینکه موجب هرج‌ومرج شود که در اینجا اجازه داده نمی‌شود به دنبال منافع فردی‌اش برود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۶۹). پس حادثه‌نگاران در صفحه حوادث، لازم است اصل احترام به منافع عمومی را رعایت و در تزاخمت هم آن را مقدم بدانند.

۳-۳-۴. رازداری

پنهان نمودن اسرار و رازداری، از بارزترین خصلت‌های خداوند متعال بوده و از صفات مؤمنان و نشانه‌ای برای عقل و شعور و معرفت و کمال هر انسانی است. راز و سر می‌تواند شخصی، مربوط به دیگران و یا راز حکومتی و نظامی (در نظام اسلامی) باشد.

رازداری، نشانهٔ امین بودن و وفاداری یک شخص است و کسی که این اخلاق نیکو و پسندیده را دارا باشد، جایگاه ویژه‌ای در میان مردم خواهد داشت و با حفظ موقعیت خود، آبرو و نوامیس افراد دیگر را هم محترم می‌داند. در روایات اسلامی، پنهان نگه‌داشتن اسرار دیگران و رازداری، نوعی حفظ امانت شمرده شده و فاش کردن مطلب دیگران، خیانت در این امانت می‌باشد. امام صادق علیه السلام در روایتی قابل تأمل این گونه می‌فرماید: «وَعَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ فَلَوْ أَنْ قَاتِلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام ائْتَمَنِي عَلَى أَمَانَةٍ لَأَدَيْتُهَا إِلَيْهِ» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۱۳۳)؛ تقوای الهی پیشه کنید و امانت را به کسی که شما را امین دانسته است، بازگردانید؛ زیرا حتی اگر قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام امانتی را به من بسپرد، هر آینه آن را به او برمی‌گردانم. این حدیث با ارزش، اوج اهمیت امانتداری را بیان می‌کند که انسان حتی در امانت دشمنان خود نیز نباید خیانت روا کند. حال این امانت ابزار و مال باشد، یا حرف و سخن فاش نمودن راز دیگران. در بسیاری از موارد، این اعمال موجب دامن زدن به مفاسد

اجتماعی و کینه و عداوت می‌شود. کسی که نتواند رازدار و امانتدار مردم باشد، گرفتار یک رذیله اخلاقی و معاشرتی خواهد شد و باید در رفع آن، تلاش کند.

افشای راز افراد در جامعه موجب می‌شود از یک سو بهره‌وری خود در جامعه را از دست دهند و جامعه از این اتفاق ضرر می‌کند. از سوی دیگر، با به هم خوردن تعادل روحی و روانی خود آن فرد آثار سوء اخلاقی و رفتاری بر جامعه می‌گذارد که یکی از کمترین آنها، از بین رفتن حس همزیستی اجتماعی است. از این رو، آموزه‌های اسلامی بسیار بر رازداری تأکید دارند (نراقی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۲۴).

اهالی رسانه، همان‌طور که برای دریافت اخبار آزادی دارند، ولی اسرار دیگران را باید حفظ کرده و از افشای اطلاعات، اخبار، تصاویر، گزارش‌ها و... که به صورت محرمانه در اختیار آنها قرار داده می‌شود، جز در مواردی که لازم به افشای آن است و یا با حکم دادگاه مشخص می‌شوند، خودداری نمایند. وقتی یک حادثه‌نگار، به دنبال اطلاعات یک حادثه قضایی است و با اجازه قاضی اطلاعات شخصی، شماره تلفن، آدرس، اطلاعات پرونده متهم و یا غیرمتهم در اختیار او قرار داده می‌شوند، تصور نکنند که هرگونه می‌تواند از آن استفاده کند؛ بلکه او رازدار جامعه می‌باشد و فقط به اندازه‌ای که در بیان حادثه لازم است، از آن استفاده کند.

اطلاعاتی که مربوط به حفظ نظام و کشور است، هم جزو اسرار است و نباید آنها را فاش کرد و در اختیار هر کسی قرار داد. رازدارانی که در حکومت اسلامی، اسرار نظام را در سینه خود حفظ می‌کنند، از جایگاه و ارزش والایی برخوردارند. تا آنجایی که حافظان اسرار، جایگاهی همچون مجاهدان در راه خداوند دارند. همچنین، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «پنهان نگه داشتن اسرار خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نوعی جهاد در راه خدا است» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۴).

همان‌طور که گفته شد، یکی از انواع رازداری، حفظ اسرار محرمانه حکومت اسلامی است. به‌عنوان نمونه، در زمان جنگ و دفاع از کشور اسلامی، حادثه‌نگار وقتی در پی دریافت حوادث جنگ است، خواسته یا ناخواسته مقداری از اطلاعاتی که برای دشمن مفید است، به دست می‌آورد. اما این اطلاعات باید برای ادامه جنگ افشا نشود تا بر دشمن پوشیده بماند و او غافلگیر گردد و فرصتی برای عملیات و تدارکات نداشته باشد. حادثه‌نگار به دنبال دریافت حوادث جنگ بوده، ولی حال باید بداند که باید رازدار باشد و اگر افشای اسرار نظامی و سیاسی کشور موجب شود که حکومت اسلامی دچار خطر شده، یا خون بی‌گناهان ریخته شود و زندگی مردم دچار آسیب شود، او مسئول است. در این صورت، «رازداری» از اهم وظایف و افشای اسرار، از زشت‌ترین رذائل اخلاقی خواهد بود و ترک رازداری، کیفر سنگینی دارد (عاشوری، ۱۳۸۷، ص ۲۷).

در پایان این سه مرحله، این نکته مهم قابل ذکر است: گاهی اوقات حادثه‌نگار در یکی از این مراحل مرتکب اشتباه (عمداً یا سهواً) می‌شود، حال طبق دستورات شرع مقدس و عقل سلیم و قوانین بشری باید جبران مافات کند. به جهت تزییع حقوق مردم و جامعه حق الناس بر گردن او خواهد بود و باید مطلب صحیح را در مباحث آینده خود بیان کرده و به اشتباهش اعتراف نماید تا بدین‌وسیله هم رضایت طرف مقابل را به دست بیاورد و هم اطلاع‌رسانی صحیح را که حق جامعه است، انجام داده باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. بر اساس مبانی اسلامی که متخذ از عقل و نقل است هر حادثه‌نگاری باید به رعایت مواردی پایبند باشد. این موارد، «بایسته‌های اخلاقی حادثه‌نگاری» نام دارند. از آنجاکه رسالت حادثه‌نگار در سه مرحله دریافت، تجزیه و تحلیل و انتقال اخبار انجام می‌گیرید، می‌توان برای هر یک از این مراحل، بایسته‌ها و وظایفی را برشمرد. بنابراین، بایسته‌ها را می‌توان به بایسته‌های مرحله دریافت، تجزیه و تحلیل و انعکاس و انتقال حوادث تقسیم نمود.
۲. بایسته‌های مرحله دریافت، سودمند بودن خبر حادثه برای جامعه است. از این رو، گزارش حوادثی که فایده‌ای برای جامعه ندارد، لزومی ندارد که حادثه‌نگار در پی آن برود. بایسته دیگر، عبرت‌آموز بودن حادثه برای جامعه می‌باشد تا آنها به حوادث تلخ که دیگران گرفتار شده‌اند، مبتلا نشوند.
۳. در مرحله تجزیه و تحلیل، تحلیل درست و بی‌طرفی دارای اهمیت است. تجزیه و تحلیل حوادث باید به درستی و به صورت کامل همراه با بینش اسلامی باشد تا جامعه بتواند از آنها استفاده بهتری ببرد. حادثه‌نگار همچنین باید با رعایت بی‌طرفی حادثه را تحلیل کند و انگیزه‌های شخصی را دخالت ندهد.
۴. در مرحله انعکاس اخبار نیز باید بایسته‌های اخلاقی را رعایت کند. اولین بایسته، وفای به عهد است. دین اسلام تأکید فراوانی بر پایبندی به عهد و پیمان بین مردم دارد. در حادثه‌نگاری نوعی عهد و پیمان وجود دارد. حادثه‌نگار عهد با خداوند، قانون، خودش و جامعه دارد و باید به آن وفادار باشد. دومین بایسته این مرحله، تعهد در بیان حقیقت است. حق مردم در دستیابی به حقیقت اخبار و حوادث باید محترم شمرده شود. اصل دیگر، پایبندی به منافع عمومی و ترجیح آن بر منافع شخصی است. اسلام به منافع عمومی و آنچه ضامن حفظ اجتماع است، اهتمام دارد و هنگام تزاخم منافع عمومی با منافع شخصی، منافع عموم جامعه را ترجیح می‌دهد. رازداری، بایسته دیگر است. حادثه‌نگاران، همان‌طور که برای دریافت اخبار حوادث آزادی دارند، ولی اسرار دیگران را باید حفظ کرده و از افشای آن خودداری کنند. راز و سر نیز گاهی شخصی، گاهی راز دیگران و گاهی راز حکومتی و نظامی (در نظام اسلامی) است.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ترجمه محمد دشتی، تهران، نشر عدالت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۰، شرح غررالحکم و دررالکلم، شارح: جمال‌الدین خوانساری. تهران، دانشگاه تهران.
- جامی رودی، عبدالنفور، ۱۳۹۱، «وحدت در آیات و روایات و تأثیر آن در ادبیات»، ویژه‌نامه نقطه برگار، دوره اول، ص ۱۵۲-۱۶۷.
- حمیدرضا جلائی پور، ۹۵/۱۱/۹. تحلیل جامعه‌شناسانه از حادثه پلاسکو، <https://www.isna.ir/news/95110906094>
- دایرةالمعارف ایمنی و بهداشت کار، ۱۳۷۹، ترجمه و تدوین: معاونت تنظیم روابط کار و امور اجتماعی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۷، میزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- عاشوری لنگرودی، حسن، ۱۳۸۷، «رازداری و رسانه»، فرهنگ کوثر، ش ۷۶، ص ۲۳-۳۹.
- عمید، حسن، ۱۳۹۲، فرهنگ لغت فارسی، تهران، امیرکبیر.
- فولادی، محمد، ۱۳۸۷، اخلاق روزنامه‌نگاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۳، اصول اخلاقی حاکم بر رسانه از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- قائمی، امیر، ۱۳۷۴، مجموعه مقالات کنفرانس بررسی اندیشه و آثار تربیتی حضرت امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- قمی، عباس، ۱۳۹۳، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ترجمه هادی صلواتی، قم، نوید اسلام.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۲، اثبات دلیل اثبات، تهران، نشر میزان.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۹، اصول کافی، ترجمه هاشم رسولی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۲، بحارالانوار، تحقیق: سیدجواد علوی، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه.
- محدثی، جواد، ۱۳۸۸، «عبرت‌شناسی»، معارف اسلامی، ش ۷۶، ص ۱۵-۲۴.
- محمدری شهری، محمد، ۱۳۸۳، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
- مصباح، مجتبی، ۱۳۷۹، فلسفه اخلاق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۹، نظریه حقوقی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، جامعه و تاریخ، تهران، صدرا.
- معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ فارسی معین، تهران، نشر بهزاد.
- مکارم‌شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- مؤیدفر، سعید، ۱۳۷۹، بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی، تهران، باز.
- نراقی، محمد مهدی، ۱۳۸۶، جامع السعادات، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتویی، تهران، نشر حکمت.
- خبرگزاری فارس، ۹۵/۱۱/۲۴
- روزنامه آرمان ۹۵/۱۱/۱۲
- روزنامه ایران، ۹۶/۹/۸
- روزنامه جام‌جم، ۹۷/۵/۱۵
- روزنامه همشهری، ۹۶/۱۰/۱